



# اقتصاد و دفاع

حسین دزی نوگورانی  
استادیار دانشگاه جامع امام حسین (علیه السلام)



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

بهار ۱۴۰۱

دزی نوگورانی، حسین، ۱۳۴۰ -  
اقتصاد و دفاع/حسین دزی نوگورانی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۴۰۱.  
۳۸۸ص. : جدول. \_ (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۶۱۴؛ اقتصاد؛ ۴۳).  
ISBN: 978-600-298-406-7  
بها: ۱۰۸۰۰۰۰ ریال  
فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.  
کتابنامه. ص. [۳۶۵] - ۳۷۴.  
۱. ایران -- دفاع ملی -- جنبه های اقتصادی. ۲. Iran -- Defenses -- Economic aspects. ۳. دفاع ملی --  
جنبه های اقتصادی. ۴. Military readiness -- Economic aspects. ۵. جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ --  
جنبه های اقتصادی. ۶. Iran-Iraq War, 1980-1988 -- Economic aspects. ۷. ایران -- سیاست اقتصادی.  
۸. Iran -- Economic policy. الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ب. عنوان.  
HC۷۹  
۳۳۸/۴۳۶  
شماره کتابشناسی ملی  
۸۷۵۱۰۸۲



## اقتصاد و دفاع

مؤلف: حسین دزی نوگورانی (عضو هیئت علمی دانشگاه جامع امام حسین (علیه السلام))

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

صفحه آرایبی: تحریر اندیشه

چاپ اول: بهار ۱۴۰۱

تعداد: ۲۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم-سبحان

قیمت: ۱۰۸۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، نیش میدان علوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰ (انتشارات

۳۷۱۸۵-۳۱۵۱.ص.پ. ۳۲۸۰۳۰۹۰، نمایر: ۳۲۱۱۱۳۰۰)

تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰

info@rihu.ac.ir

www.rihu.ac.ir

فروشگاه اینترنتی: <http://rihu.ac.ir/fa/book>

مرکز بخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، پلاک ۲۷، تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۲۶۳۵-۶

## سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و هدایت پدیده‌های انسانی در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر است و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظرگرفتن واقعیت‌های عینی، فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به‌عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی علیه‌السلام، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری «دفتر همکاری حوزه و دانشگاه» را در سال ۱۳۶۱ فراهم کرد و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت استادان حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جامعه علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار بیش از ۶۱۰ عنوان کتاب و شش نشریه علمی اشاره کرد.

این اثر به عنوان منبع درسی اقتصاد دفاع ۱ و ۲ و موضوعات برگزیده در اقتصاد دفاع در سطح کارشناسی و ارشد علوم اقتصادی گرایش دفاع و پدافند اقتصادی و عموم علاقه‌مندان به مباحث مربوط به اقتصاد و دفاع قابل استفاده است.

از استادان و صاحب نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از تلاش‌های مؤلف محترم اثر، دکتر حسین دری نوگورانی و نیز از ارزیاب محترم حجت الاسلام والمسلمین دکتر غلامعلی معصومی نیا برای توصیه‌ها و ارائه نکات ارزشمندشان سپاسگزاری کند.

## فهرست مطالب

### فهرست اجمالی

بخش اول: کلیات؛ مفهوم و برخی ویژگی‌های اقتصاد دفاع و دفاع اقتصادی.....	۵
فصل اول: تعریف برخی مفاهیم کلیدی، قلمرو، پیشینه و برخی ویژگی‌ها در عرصه اقتصاد دفاع.....	۷
فصل دوم: دیدگاه و پیشینه تاریخی جنگ و دفاع اقتصادی در اسلام و ایران.....	۴۹
فصل سوم: مروری بر رهنمودهای حضرت امام <small>علیه السلام</small> و رهبر معظم انقلاب اسلامی درباره جنگ، جهاد، مقاومت اقتصادی و مقابله با تحریم‌ها.....	۷۳
بخش دوم: مبنای نظری تحلیل اقتصادی جنگ‌ها.....	۹۷
فصل چهارم: تحلیل نظری اقتصاد جنگ.....	۹۹
بخش سوم: مروری بر هزینه‌ها و صنایع نظامی در سطح بین‌المللی.....	۱۱۷
فصل پنجم: مروری بر هزینه‌های نظامی در سطح منطقه‌ای و جهانی.....	۱۱۹
فصل ششم: مروری بر صنایع نظامی در سطح جهانی و برخی کشورها.....	۱۴۹
بخش چهارم: بررسی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران در دوران دفاع مقدس.....	۱۸۹
فصل هفتم: تشریح وضعیت اقتصادی در دوران دفاع مقدس.....	۱۹۱
بخش پنجم: جنگ اقتصادی.....	۲۶۱
فصل هشتم: پیشینه، روند و ارزیابی جنگ و تحریم اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران.....	۲۶۳
بخش ششم: آشنایی با اقتصاد مقاومتی در جمهوری اسلامی ایران.....	۳۰۹
فصل نهم: بنیان‌ها و آموزه‌های بنیادین اقتصاد مقاومتی با تمرکز بر جمهوری اسلامی ایران.....	۳۱۱

## فهرست تفصیلی

پیشگفتار..... ۱

### بخش اول: کلیات؛ مفهوم و برخی ویژگی‌های اقتصاد دفاع و دفاع اقتصادی

فصل اول: تعریف برخی مفاهیم کلیدی، قلمرو، پیشینه و برخی ویژگی‌ها در عرصه اقتصاد دفاع

مقدمه ..... ۷

۱-۱. برخی مفاهیم کلیدی..... ۷

۱-۱-۱. اقتصاد ..... ۷

۱-۱-۲. قدرت..... ۸

۱-۱-۳. امنیت ملی ..... ۱۰

۱-۱-۴. جنگ..... ۱۲

۱-۱-۵. دفاع..... ۱۴

۲-۱. مفهوم و برخی ویژگی‌های اقتصاد دفاع..... ۱۵

۲-۱-۱. تعریف اقتصاد دفاع..... ۱۵

۲-۲-۱. پیشینه اقتصاد دفاع..... ۱۷

۲-۲-۱-۱. پیشینه اقتصاد دفاع در دنیای غرب..... ۱۷

الف) پیش از قرن بیستم..... ۱۸

ب) قرن بیستم به بعد..... ۲۹

نیمه اول قرن بیستم..... ۲۹

نیمه دوم قرن بیستم: دوران جنگ سرد و پس از آن..... ۳۵

۲-۲-۲-۱. پیشینه اقتصاد دفاع در ایران..... ۳۸

۲-۲-۱-۳. قلمرو اقتصاد دفاع..... ۴۱

۲-۲-۱-۴. ماهیت تصمیم‌گیری در عرصه دفاع..... ۴۴

۳-۱. مفهوم دفاع اقتصادی..... ۴۵

۴-۱. خلاصه و نتیجه‌گیری..... ۴۶

## فصل دوم: دیدگاه و پیشینه تاریخی جنگ و دفاع اقتصادی در اسلام و ایران

مقدمه	۴۹
۱-۲. پیش‌بینی، آماده‌سازی و مدیریت بهنگام پیامبری الهی در رویارویی با بحران‌های اقتصادی	۵۰
۲-۲. سابقه تاریخی مقابله اقتصادی با مسلمانان در دوران پیامبر اعظم <small>صلی الله علیه و آله</small>	۵۰
۱-۲-۲. مبارزه اقتصادی مشرکین مکه	۵۱
۲-۲-۲. مبارزه اقتصادی برخی از یهودیان	۵۲
۳-۲-۲. برنامه‌ریزی اقتصادی پیامبر در رویارویی با تهدید و تعرض اقتصادی دشمنان	۵۳
۳-۲. فقه استقلال و عزت در جهت شالوده‌سازی خودنکایی، مقاومت و دفاع اقتصادی	۵۵
۱-۳-۲. مبنای مالکیت مطلق الهی و استقلال در مکتب اقتصادی اسلام	۵۵
۲-۳-۲. مبنای عزت و کرامت انسانی در مکتب اقتصادی اسلام	۵۶
۳-۳-۲. قاعده نفی سیل	۵۷
۴-۳-۲. وجوب پرهیز و جلوگیری از (حرام بودن) استیلا بیگانگان و اقدام به دفاع از اقتصاد ملی	۵۸
۱-۴-۳-۲. وجوب ضروری جهاد و دفاع	۵۸
۲-۳-۲. وجوب فراگیر جلوگیری از استیلا اقتصادی و غیراقتصادی بیگانگان	۶۰
۴-۲. سابقه تاریخی نفوذ غرب در ایران و مقابله علما با تسلط اقتصادی بیگانه	۶۱
۱-۴-۲. نمونه‌هایی از کارکردهای استعمار در ایران	۶۱
۲-۴-۲. رویکرد علما در عمل به وظیفه شرعی مقابله با سلطه بیگانگان	۶۴
۱-۲-۴-۲. تحریم استعمال توتون و تنباکو: نهضت تنباکو	۶۴
۲-۲-۴-۲. نهضت اصفهان	۶۷
۳-۲-۴-۲. نهضت تهران	۶۸
۴-۲-۴-۲. نهضت فارس	۷۰
۵-۲-۴-۲. نهضت نجف و موضع‌گیری‌های برخی علمای دیگر	۷۰
۵-۲. خلاصه و نتیجه‌گیری	۷۱

## فصل سوم: مروری بر رهنمودهای حضرت امام علیه السلام و رهبر معظم انقلاب اسلامی درباره جنگ، جهاد، مقاومت اقتصادی و مقابله با تحریم‌ها

مقدمه	۷۳
۱-۳. ماهیت اصلی انقلاب و نظام جمهوری اسلامی	۷۵
۲-۳. اصول حاکم آزادی و استقلال	۷۶
۳-۳. استکبار و دشمنی پیگیر آن نسبت به انقلاب و نظام جمهوری اسلامی	۷۷
۴-۳. امنیت و ویژگی‌های آن	۷۹
۵-۳. جنگ واقعی و واقعیت جنگ: توهم نبودن وجود جنگ	۸۱
۱-۵-۳. انواع جنگ‌ها و جنگ اقتصادی تکلیف‌ساز	۸۴
۲-۵-۳. تحریم: ابزار مهم جنگ اقتصادی	۸۶
۳-۵-۳. برکات جنگ ناخواسته تحمیلی	۸۶

۸۹.....	۳-۵-۴. ضرورت جهاد، مقاومت و دفاع.....
۹۱.....	۳-۶. مفهوم و برخی ویژگی‌های جهاد و جهاد اقتصادی.....
۹۴.....	۳-۷. خلاصه و نتیجه‌گیری.....

## بخش دوم: مبنای نظری تحلیل اقتصادی جنگ‌ها

### فصل چهارم: تحلیل نظری اقتصاد جنگ

۹۹.....	مقدمه.....
۹۹.....	۴-۱. ملاحظاتی برای دقت در تحلیل اقتصاد جنگ.....
۱۰۰.....	۴-۱-۱. دشواری تعریف مصداقی جنگ و میزان به‌هم‌تافتگی اقتصاد با جنگ.....
۱۰۱.....	۴-۱-۲. تمایز بین نیروهای نظامی و غیرنظامی.....
۱۰۱.....	۴-۱-۳. تفاوت گستره جنگ‌ها.....
۱۰۱.....	۴-۱-۴. تمایز تأثیر جنگ‌های داخلی و خارجی.....
۱۰۲.....	۴-۱-۵. مقایسه جنگ‌ها با بلایای طبیعی.....
۱۰۲.....	۴-۲. انواع پیامدهای محتمل جنگ‌های بین‌المللی.....
۱۰۲.....	۴-۲-۱. تمایز انواع پیامدها در نظریه اقتصاد جنگ.....
۱۰۴.....	۴-۲-۲. برخی پیامدهای اقتصادی جنگ‌ها.....
۱۰۴.....	۴-۲-۱. پیامدهای ناشی از خود جنگ و رفتارهای جبرانی دوران جنگ.....
۱۰۴.....	۴-۲-۲. پیامدهای مستقیم و غیرمستقیم جنگ.....
۱۰۵.....	۴-۲-۳. پیامدهای فوری و تأخیری.....
۱۰۶.....	۴-۲-۴. تأثیر جغرافیای کشورها بر پیامد جنگ‌ها.....
۱۰۶.....	۴-۲-۵. پیامدهای کلان، بخشی و خرد و پیامدهای ملی و بین‌المللی.....
۱۰۶.....	۴-۲-۶. پیامدهای منفی و مثبت.....
۱۰۷.....	۴-۳. تحلیل برخی متغیرهای سطح انفرادی و جمعی اقتصاد جنگ.....
۱۰۷.....	۴-۳-۱. برخی عناصر خرد اقتصاد جنگ.....
۱۰۷.....	۴-۳-۱. استحقاقات.....
۱۰۸.....	۴-۳-۲. نااطمینانی و ریسک.....
۱۰۹.....	۴-۳-۲. برخی عناصر کلان اقتصاد جنگ.....
۱۱۰.....	۴-۳-۱. نقش آسیب‌پذیری در تحلیل پیامدهای جنگ.....
۱۱۱.....	۴-۳-۲. تأثیر جنگ بر سرمایه.....
۱۱۱.....	۴-۳-۳. تأثیر جنگ بر فناوری و کارایی معاملات.....
۱۱۲.....	۴-۳-۴. تأثیر جنگ بر بازارهای مالی.....
۱۱۳.....	۴-۳-۵. پیامدهای توزیعی جنگ.....
۱۱۴.....	۴-۳-۳. پیامدهای بین‌المللی جنگ.....
۱۱۴.....	۴-۴. خلاصه و نتیجه‌گیری.....



## بخش سوم: مروری بر هزینه‌ها و صنایع نظامی در سطح بین‌المللی

### فصل پنجم: مروری بر هزینه‌های نظامی در سطح منطقه‌ای و جهانی

مقدمه.....	۱۱۹
۱-۵. منابع گزارش هزینه‌های نظامی کشورها.....	۱۲۰
۲-۵. مفهوم هزینه‌های نظامی.....	۱۲۱
۱. مفهوم مندرج در فرم گزارش استاندارد سازمان ملل متحد.....	۱۲۲
۲. تعریف هزینه‌های نظامی در گزارش‌های سیبری (SIPRI).....	۱۲۳
۳. تعریف هزینه‌های نظامی در گزارش‌های پیمان ناتو.....	۱۲۴
۴. عناصر هزینه‌های نظامی در گزارش موازنه نظامی.....	۱۲۵
۳-۵. برخی ملاحظات علمی در استفاده از آمارها برای تحلیل هزینه‌های نظامی.....	۱۲۶
۱-۳-۵. محدودیت فراگیری و تفصیل.....	۱۲۶
۲-۳-۵. محدودیت روایی.....	۱۲۷
۳-۳-۵. محدودیت مقایسه‌پذیری.....	۱۲۷
۴-۵. تحلیل روند هزینه‌های نظامی جهانی و منطقه جنوب غرب آسیا.....	۱۲۹
۲-۴-۵. تحلیلی فشرده از هزینه‌های نظامی جهانی و منطقه‌ای در سال ۲۰۱۸.....	۱۳۵
۳-۴-۵. نگرشی به برخی شاخص‌های هزینه‌های نظامی کشورهای آسیای جنوب غربی و برخی کشورهای منتخب.....	۱۳۸
۵-۵. خلاصه و نتیجه‌گیری.....	۱۴۳

### فصل ششم: مروری بر صنایع نظامی در سطح جهانی و برخی کشورها

مقدمه.....	۱۴۹
۱-۶. مفهوم، قلمرو، جایگاه در رده‌بندی صنعتی و اهمیت صنایع دفاعی.....	۱۵۰
۱-۱-۶. طبقه‌بندی‌های صنایع.....	۱۵۰
۲-۱-۶. فعالیت‌ها و صنایع مربوط به دفاع.....	۱۵۱
۳-۱-۶. اهمیت صنایع دفاعی.....	۱۵۵
۲-۶. روند تحول و ویژگی‌های صنایع نظامی.....	۱۵۷
۱-۲-۶. روند تحول جهانی صنایع دفاعی.....	۱۵۷
۲-۲-۶. برخی ویژگی‌های صنایع نظامی.....	۱۵۹
۳-۶. وضعیت جهانی صنایع دفاعی.....	۱۶۰
۱-۳-۶. دوره پس از جنگ سرد تا سال ۲۰۰۳.....	۱۶۱
۲-۳-۶. سال‌های ۲۰۱۶ تا کنون.....	۱۶۲
۴-۶. صنایع نظامی برخی کشورها.....	۱۶۴
۱-۴-۶. آمریکا.....	۱۶۴
۲-۴-۶. چین.....	۱۶۸

۱۷۲.....	۳-۴-۶. روسیه .....
۱۷۴.....	صنعت دفاعی شوروی در خلال جنگ سرد: ۱۹۸۰-۱۹۹۱ .....
۱۷۶.....	صنعت دفاعی روسیه در یک اقتصاد فروپاشیده در حال انتقال (۱۹۹۲-۱۹۹۹) .....
۱۷۸.....	صنعت دفاعی فدراسیون روسیه در دوران احیای اقتصادی و تنش‌های بین‌المللی در ۲۰۱۹-۲۰۰۰ .....
۱۸۰.....	۴-۴-۶. ترکیه.....
۱۸۵.....	۵-۶. خلاصه و نتیجه‌گیری.....

## بخش چهارم: بررسی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران در دوران دفاع مقدس

### فصل هفتم: تشریح وضعیت اقتصادی در دوران دفاع مقدس

۱۹۱.....	مقدمه .....
۱۹۳.....	۱-۷. ملاحظات اساسی در تحلیل جامع جنگ تحمیلی .....
۱۹۵.....	۲-۷. وضعیت اقتصادی ایران و عراق در آستانه جنگ تحمیلی .....
۱۹۶.....	۱-۲-۷. وضعیت اقتصادی عراق در آستانه جنگ تحمیلی .....
۱۹۶.....	۲-۲-۷. وضعیت اقتصادی ایران در آستانه جنگ تحمیلی و برخی رخدادهاى تکان‌دهنده در اوایل جنگ .....
۱۹۸.....	۳-۲-۷. آماج جنگ تحمیلی در ایران .....
۱۹۹.....	۳-۷. گزارش مقتضیات و بررسی شاخص‌های اقتصادی کلان جمهوری اسلامی ایران در دوران دفاع مقدس .....
۱۹۹.....	۱-۳-۷. برخی رویدادهای سیاسی، نظامی و اقتصادی تأثیرگذار در سال‌های جنگ تحمیلی.....
۲۰۱.....	سال ۱۳۵۹ .....
۲۰۲.....	سال ۱۳۶۰ .....
۲۰۳.....	سال ۱۳۶۱ .....
۲۰۵.....	سال ۱۳۶۲ .....
۲۰۷.....	سال ۱۳۶۳ .....
۲۰۸.....	سال ۱۳۶۴ .....
۲۱۰.....	سال ۱۳۶۵ .....
۲۱۲.....	سال ۱۳۶۶ .....
۲۱۴.....	سال ۱۳۶۷ .....
۲۱۶.....	۲-۳-۷. تحلیل آماری برخی شاخص‌های اقتصادی کلان جمهوری اسلامی ایران در دوران دفاع مقدس .....
۲۱۷.....	۱-۲-۳-۷. جمعیت.....
۲۱۷.....	۲-۲-۳-۷. درآمد نفت .....
۲۲۰.....	۳-۲-۳-۷. تولید و رشد اقتصادی.....
۲۲۱.....	۴-۲-۳-۷. درآمد سرانه.....
۲۲۱.....	۵-۲-۳-۷. بیکاری .....
۲۲۱.....	۶-۲-۳-۷. مصرف خصوصی و دولتی .....
۲۲۲.....	۷-۲-۳-۷. واردات.....

۲۲۳	..... نقدینگی. ۸-۲-۳-۷
۲۲۴	..... تورم. ۹-۲-۳-۷
۲۲۴	..... نابرابری درآمدی (ضریب جینی). ۱۰-۲-۳-۷
۲۲۵	..... خسارات اقتصادی جنگ تحمیلی. ۱۱-۲-۳-۷
۲۳۰	..... سیاستگذاری و مدیریت اقتصادی در دوران دفاع مقدس. ۴-۷
۲۳۰	..... سیاست‌های مالی دوران جنگ تحمیلی. ۱-۴-۷
۲۳۰	..... مقدار، ترکیب و روند تغییرات درآمدهای دولت
۲۳۲	..... هزینه‌های دولت
۲۳۵	..... تراز بودجه دولت
۲۳۵	..... سیاست‌های پولی دوران جنگ تحمیلی. ۲-۴-۷
۲۳۶	..... سرعت گردش پول
۲۳۷	..... پایه پولی
۲۳۹	..... نرخ سپرده قانونی
۲۴۰	..... سیاست کنترل مستقیم قیمت‌ها و جیره‌بندی در دوران جنگ تحمیلی. ۳-۴-۷
۲۴۸	..... تحلیل وضعیت و روند رابطه و برخورد برخی کشورها در دوران دفاع مقدس. ۵-۷
۲۴۹	..... آمریکا. ۱-۵-۷
۲۵۱	..... انگلستان. ۲-۵-۷
۲۵۲	..... فرانسه. ۳-۵-۷
۲۵۲	..... شوروی. ۴-۵-۷
۲۵۳	..... خلاصه و نتیجه‌گیری. ۶-۷

## بخش پنجم: جنگ اقتصادی

### فصل هشتم: پیشینه، روند و ارزیابی جنگ و تحریم اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران

۲۶۳	..... مقدمه
۲۶۶	..... ۱-۸. مفهوم و ابزارهای جنگ اقتصادی
۲۶۶	..... ۲-۸. مفهوم، مصادیق بارز و اهداف تحریم اقتصادی
۲۶۷	..... ۳-۸. انواع تحریم‌ها
۲۶۷	..... ۴-۸. برخی استنادهای حقوقی تحریم‌ها
۲۶۸	..... ۵-۸. سابقه کاربرد تحریم اقتصادی
۲۷۰	..... ۶-۸. تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران
۲۷۱	..... ۱-۶-۸. تحریم‌های آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران
۲۷۱	..... ۱-۱-۶-۸. سابقه تحریم‌های آمریکا علیه کشورها
۲۷۱	..... انواع تحریم‌های ایالات متحده آمریکا
۲۷۱	..... مروری آماری بر پیشینه تحریم‌های آمریکا

۲۷۳	برخی ویژگی‌های محوری توانمندساز آمریکا در اعمال تحریم‌ها
۲۷۴	۸-۶-۲. تحریم‌های آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران
۲۷۴	پیشینه روابط ایران و آمریکا
۲۷۶	انواع تحریم‌های آمریکا
۲۷۸	روند تحریم‌های آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران
۲۸۵	۸-۶-۲. تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد علیه جمهوری اسلامی ایران
۲۸۸	۸-۶-۳. تحریم‌های اروپایی
۲۹۲	۸-۶-۴. اختلال تحریمی در روابط اقتصادی برخی کشورهای دیگر
۲۹۵	۸-۷. پیش شرط‌های تحریم موفق (اثربخش) یا ناکام
۲۹۶	الف) شرایط اجرایی
۲۹۸	ب) شرایط اقتصادی
۲۹۸	ج) شرایط سیاسی
۲۹۹	۸-۸. ارزیابی آثار و پیامدهای تحریم‌های اقتصادی و برخی راه‌کارهای روبارویی
۳۰۵	۸-۹. خلاصه و نتیجه‌گیری

## بخش ششم: آشنایی با اقتصاد مقاومتی در جمهوری اسلامی ایران

### فصل نهم: بنیان‌ها و آموزه‌های بنیادین اقتصاد مقاومتی با تمرکز بر جمهوری اسلامی ایران

۳۱۱	مقدمه
۳۱۲	۹-۱. برخی گزاره‌ها و جهت‌گیری‌ها و اصول حاکم بر اقتصاد در فرهنگ اسلامی
۳۱۶	۹-۲. مفهوم و ویژگی‌های اصلی اقتصاد مقاومتی
۳۱۶	۹-۲-۱. پیشینه و انگیزه مطرح شدن اقتصاد مقاومتی
۳۱۸	۹-۲-۲. برخی رهنمودهای کلیدی در مفهوم‌یابی اقتصاد مقاومتی
۳۲۲	۹-۲-۳. ویژگی‌های اصلی اقتصاد مقاومتی (اصول، ارکان و رویکردها)
۳۲۳	۹-۲-۴. تمایز اقتصاد مقاومتی با فعالیت‌ها و اقتصاد متعارف موجود
۳۲۳	۹-۲-۵. مؤلفه‌های اصلی سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی
۳۳۰	۹-۲-۶. روش‌شناسی تحقق اقتصاد مقاومتی
۳۳۰	۹-۲-۶-۱. حساسیت دوران معاصر و عملی بودن تحقق اقتصاد مقاومتی
۳۳۱	۹-۲-۶-۲. هدف‌گذاری، حساب‌گری و اولویت‌بندی مزیت‌شناسانه
۳۳۲	۹-۲-۶-۳. جدول اقتصاد مقاومتی و جایگاه فعالیت‌ها
۳۳۳	۹-۲-۶-۴. تکیه بر ظرفیت‌های داخلی و دانش‌بنیان و مردمی کردن اقتصاد
۳۳۳	۹-۲-۶-۵. معارض‌شناسی و رصد آینده‌نگرانه دشمن
۳۳۵	۹-۲-۶-۶. برکات تحریم: تبدیل تهدید به فرصت
۳۳۵	۹-۲-۶-۷. ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی
۳۳۶	۹-۲-۶-۸. واگذاری برنامه‌ریزی و اداره فعالیت‌ها به افراد انقلابی

۳۳۶.....	۹-۲-۶. مدیریت منابع و بهره‌وری در تولید.....
۳۳۶.....	۹-۲-۶-۱۰. کاهش وابستگی به نفت.....
۳۳۷.....	۹-۲-۶-۱۱. مدیریت مصرف.....
۳۳۸.....	۹-۲-۶-۱۲. امنیت کالاهای راهبردی و اساسی.....
۳۳۸.....	۹-۲-۶-۱۳. فسادستیزی و مبارزه با قاچاق.....
۳۳۹.....	۹-۲-۶-۱۴. شاخص‌بندی، پایش و نظارت.....
۳۳۹.....	۹-۲-۶-۱۵. گفت‌وگو سازی فراگیر و مطالبه‌گری همگانی.....
۳۴۰.....	۹-۳-۳. تناظر سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی با یک برنامه راهبردی دفاعی (دفاع اقتصادی).....
۳۴۰.....	۹-۳-۱. اسناد برداشت‌ها، گزارش‌ها و برنامه‌های دفاع و امنیت ملی.....
۳۴۲.....	۹-۳-۲. انواع برنامه‌ریزی‌های دفاعی.....
۳۴۴.....	۹-۳-۳. فرایند مرسوم برنامه‌ریزی دفاعی.....
۳۴۶.....	۹-۳-۴. سازمان محتوایی یک برنامه دفاع و امنیت ملی.....
۳۴۸.....	۹-۳-۵. چارچوب یک برنامه دفاع اقتصادی بر مبنای چارچوب‌های برنامه‌های دفاعی.....
۳۴۸.....	۹-۳-۶. بازنویسی بسته کامل سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی به‌عنوان یک برنامه دفاع اقتصادی مفروض.....
۳۵۰.....	۱. برخی اهداف اقتصاد ملی.....
۳۵۱.....	۲. برداشت‌های امنیتی-دفاعی.....
۳۵۲.....	۳. برآورد پویای استراتژیک محیط بین‌الملل با نگرشی آینده‌نگرانه به امنیت ملی.....
۳۵۲.....	۴. برآورد پویای استراتژیک محیط داخلی با نگرشی آینده‌نگرانه به امنیت ملی.....
۳۵۲.....	۵. استراتژی «پیگیری اهداف و تعهدات» به‌همراه «واکنش در برابر تهدیدات درک‌شده».....
۳۵۴.....	۶. نقش‌ها و مأموریت‌های برنامه‌ریزی‌شده مراکز مؤثر در دفاع ملی.....
۳۵۴.....	۷. امکانات و قابلیت‌های عناصر مؤثر در دفاع ملی.....
۳۵۵.....	۸. اقدامات برای دستیابی به اهداف اقتصاد ملی.....
۳۵۷.....	۹. جهت‌گیری‌های آینده.....
۳۵۹.....	۹-۳-۷. ملاحظه‌ای اساسی در تدوین یک برنامه دفاع اقتصادی استاندارد.....
۳۶۰.....	۹-۴. خلاصه و نتیجه‌گیری.....

## منابع

۳۶۵.....	منابع روایی.....
۳۶۵.....	سایر منابع.....



## پیشگفتار

موضوعات سطح راهبردی به‌ویژه عرصه دفاع و امنیت ملی، از جمله عرصه‌هایی است که دارای اهدافی ارزشمند و بعضاً حساسیت‌هایی بی‌بدیل است. در این عرصه، بقاء و ماندگاری و استمرار حیات ملی در وهله اول و رفاه و کیفیت زندگی عمومی و امثال آنها در وهله بعدی مورد توجه اکید قرار می‌گیرد. از این‌رو، تحلیل اقتصادی منابعی که برای دفاع و ایجاد امنیت به کار می‌روند، به تناسب هدف والای برشمرده شده، خود از اهمیتی حیاتی برخوردار می‌گردد. به‌علاوه، تحلیل اقتصادی و به عبارتی، تحلیل کاربرد بهینه این منابع کمیاب و بسیار حیاتی، که کاربرد نابجا و ناکارآمد و غیراثربخش آنها در فرایندی جامع، سرانجام می‌تواند مخاطراتی حیاتی برای بقاء ملی را به همراه داشته باشد، دارای اهمیت و ضرورتی هم‌ردیف اهمیت حفظ آرمان‌ها و اهداف مکتبی و منافع ملی در سطح راهبردی می‌باشد.

در گذشته‌های دور، این فرض که کشوری بتواند در صورت تمایل، در انزوا به سر برد و خود را از شعاع نفوذ و تأثیر دیگر کشورها دور نگه دارد، می‌توانست جنبه‌هایی از واقعیت را دربرداشته باشد؛ اما این جنبه از واقعیت دست کم چندین دهه است که در زمره ذهنی‌گرایی‌های خیال‌پردازانه قرار گرفته است و فرض تحقق آن، تنها در ساده‌سازی‌های آموزشی و در سطوح مقدماتی علوم اجتماعی جای گرفته است. حیات هر کشور، به قدرتش در عرصه بین‌المللی باز می‌گردد و اندازه قدرت، چیزی جز میزان تأثیرگذاری یک بازیگر صحنه بین‌المللی بر بازارها و نتایج رویدادهای جهانی در جهت منافع و مصالح مورد نظر خود نیست (Jones, 1991: 241).

به یقین در عمل، منافع و مصالح کشورها به طور واقعی یا به گمان اداره کنندگان، در تقابل قرار می‌گیرد و چنین تقابلی، با پیچیده‌تر شدن روابط و کمیاب‌تر گشتن منابع، استمرار می‌یابد. در دوران جنگ سرد، تقابل دو بلوک اصلی قدرت و استراتژی‌های بازدارندگی متناسب، شکل ویژه‌ای یافته بود که با پایان آن مرحله، به کلی دگرگون شد و اجزاء آتشگیرانه متلاشی شده بلوک‌بندی پیشین، در فضای پذیرای تنش‌های مسکوت محلی و منطقه‌ای پخش شد، و شعله‌های تقابل‌های پراکنده محلی را به گونه‌ای لجام گسیخته برافروخت. اگرچه سالیانی اندک پس از سال‌های ۸۷-۱۹۸۶ که هزینه‌های نظامی جهان دست‌کم نزدیک به ۱۰۰۰ میلیارد دلار رسید، شاهد کاهش این هزینه‌ها بودیم اما کاهش هزینه‌های نظامی، به هیچ وجه متناسب با پایان ادعایی کل جنگ سرد و همچنین تنش‌زدایی و کم‌رنگ شدن منازعات مسلحانه در سال‌های بعد نبود و شواهد به روشنی بیانگر تغییر جهت تقابل گذشته و سوق یافتن به تقابل شمال-جنوب با تأکید بر جهان اسلام بوده‌اند. در این میان، با فروپاشی اتحاد شوروی و بلوک شرق، بازار با تسلیحات نظامی ارزان، سیراب شد، و روشن است که برخی از این تسلیحات، راه خود را به منازعات منطقه‌ای باز کردند. علاوه بر این، پیمان‌های ممنوعیت و محدودیت سلاح‌های استراتژیک هسته‌ای و متعارف، در برخی ابعاد، هزینه‌های بازدارندگی را افزایش دادند. از سوی دیگر، برچیدن سلاح‌ها نیز خود هزینه‌آفرین است و به تعبیر برخی از صاحب‌نظران، صلح نیز همانند رویارویی، هزینه خاص خود را دارد که چندان هم ارزان نیست.

علاوه بر آنچه گفته شد، روند هزینه‌های نظامی در سطح جهانی، نشان از تغییر رو به رشد این هزینه‌ها در بسیاری از مناطق و کشورها دارد که این امر، مستلزم اختصاص سهم به مراتب بیشتری از اقتصاد به امور نظامی و استراتژیک، و در نتیجه، اهتمام و توجهی به مراتب بیشتر در زمینه تحلیل علمی و مستند آنها است.

حوادث و تحولات ابتدای قرن بیست و یکم نیز دگرگونی‌های بسیار شگرفی را ایجاد کرده است که نمی‌توان در تحلیل‌های علمی از آنها چشم‌پوشی نمود. جهانی شدن اگرچه در دنیای مدرن، سابقه‌ای چندین دهه ساله دارد، در یکی دو دهه اخیر شتابی بسیار فزون‌تر از گذشته به خود گرفته و حوادث به ظاهر کوچک محلی را تأثیری منطقه‌ای و گاهی جهانی بخشیده است. بروز پدیده‌هایی نظیر سواری مجانی صحنه بین‌الملل در بهره‌گیری کشورها از کالاهای عمومی



و گسترش پیمان‌های فراملیتی در این میان نگرش علمی جهانی را می‌طلبند. واقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ (۲۰ شهریور ۱۳۸۰) موجی ایجاد نمود که عرصه‌های مختلف دفاعی-استراتژیک را در سطح جهانی درنوردید. حمله آمریکا به افغانستان و عراق به دنبال حادثه مزبور نیز در حوزه استراتژیک کشورمان تأثیری بی‌بدیل بر جای گذاشت که هنوز ادامه دارد. پیشرفت‌ها و پیروزی‌های کم‌سابقه گروه‌های جهادی، و شکل‌گیری شبکه‌های تروریستی فراملیتی، و بیم دستیابی این شبکه‌ها به تسلیحات کشتار جمعی به‌ویژه تسلیحات هسته‌ای، حوزه و چگونگی فعالیت دولت‌های بیرون از قلمرو سلطه قدرت‌های بزرگ-به‌ویژه آمریکا- که خود را خارج از تقسیم‌کار آنها قرار داده‌اند، انقلاب در امور نظامی (RMA)، منازعات مجازی و گسترش ویروس‌های رایانه‌ای و درگیری‌های سایبری، انقلاب‌های مخملین، و همچنین تحولات فراوان در اقتصاد جهانی که بی‌تردید تأثیراتی استراتژیک نیز در پی داشته است، موجب شده‌اند که مسائل راهبردی امنیتی-دفاعی بیش از پیش در همه عرصه‌های علم بشری موضوعیت یابند. قلمرو اقتصاد نیز- و بلکه بیش از بسیاری عرصه‌ها- در این میان کاربرد نزدیک و مستقیم و بی‌بدیل یافته است.

دفاع و ایجاد امنیت، همانند سایر عرصه‌ها بلکه با توجه به اهمیت حیاتی آن، بیشتر از بسیاری عرصه‌های دیگر، عرصه‌هایی هستند که به شدت با کاربرد بهینه منابع کمیاب روبه‌رو هستند و تحلیل اقتصادی آنها موضوعیت ویژه می‌یابد. امروزه در مراکز مختلف علمی در سطح جهانی، این مهم را درک کرده‌اند و به پروردن و آموزش نظریه‌ها، تکنیک‌ها و ارائه داده‌های علمی آن پرداخته‌اند؛ اما متأسفانه در کشور ما، این قلمرو شناخته‌شده و کاربردیافته جهانی، هنوز چندان شناخته نشده و در دستور کار قرار نگرفته و در آموزش و پژوهش و فعالیت‌های علمی و به‌ویژه در صحنه برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری عملی، مورد توجه قرار نگرفته است.

کتاب حاضر، تلاشی در جهت شناسایی علمی تحلیل اقتصادی موضوعات هم‌پوش و متعامل اقتصاد و دفاع (اقتصاد دفاع، دفاع اقتصادی و موضوعات مرتبط با آنها و برخی ویژگی‌ها و قلمرو آنها) به گونه‌ای مقایسه‌ای و با ملاحظه برخی ابهامات کاربردی در عرصه آنها می‌باشد. به این منظور، شش بخش برای مطالب آن در نظر گرفته شده است. در بخش اول، کلیاتی با ارائه مفهوم و برخی ویژگی‌های اقتصاد دفاع و دفاع اقتصادی بیان خواهد شد. بخش دوم شامل

تحلیلی نظری اقتصاد جنگ‌ها بوده است. در بخش سوم، هزینه‌ها و صنایع نظامی در سطح بین‌المللی مرور خواهند شد. بررسی تحولات اقتصادی و اقتصاد جمهوری اسلامی ایران در دوران دفاع مقدس، موضوع بخش چهارم بوده و پیشینه، روند و ارزیابی تحریم‌ها و جنگ اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران، در بخش پنجم مورد بحث قرار خواهد گرفت. و سرانجام، با بخش ششم شامل آشنایی با اقتصاد مقاومتی در جمهوری اسلامی ایران، کتاب پایان خواهد یافت.

امید که نوشته پیش‌رو، به‌عنوان متنی کاربردی، در جهت ایجاد هم‌فکری و برداشت مشترک از مفاهیم و موضوعات اساسی اقتصادی عرصه اقتصاد دفاع و دفاع اقتصادی، مفید باشد. برخورد نقادانه علمی در جهت اصلاح و تکمیل این متن، موجب امتنان خواهد بود.

بخش اول

کلیات؛ مفهوم و برخی ویژگی‌های اقتصاد دفاع و دفاع اقتصادی



## فصل اول

# تعریف برخی مفاهیم کلیدی، قلمرو، پیشینه و برخی ویژگی‌ها در عرصه اقتصاد دفاع

### مقدمه

در این فصل، به برخی کلیات در عرصه اقتصاد و دفاع پرداخته می‌شود. ابتدا، برخی مفاهیم کلیدی که در درک علمی مطالب کل کتاب عملاً کاربرد مستقیم دارند، بیان خواهند شد.

### ۱-۱. برخی مفاهیم کلیدی

#### ۱-۱-۱. اقتصاد

علم اقتصاد دفاع<sup>۱</sup> از یک جنبه، موضوعی بین‌رشته‌ای - و حتی به زعم برخی، فرارشته‌ای (Ross, 1991, 5) - است و از جنبه‌ای دیگر، به هر صورت شاخه‌ای از علم اقتصاد و در همان حال، شاخه‌ای است که به حدی گسترش یافته است که در خور توجهی مستقل و متمایز در عرصه این علم می‌باشد (Hartley and Sandler, 1990, 1). بنابراین برای درک ماهیت اقتصاد دفاع باید نخست ماهیت علم اقتصاد را دریابیم (Sandler and Hartley, 1995, 3).

---

۱. در ادبیات تخصصی ذیربط، «علم اقتصاد دفاع» با هر دو عبارت «Defence Economics» و «The Economics of Defence» به کار برده می‌شود. این تعبیر، با واژه «اقتصاد دفاعی» (Defensive economy) که در آن (ترکیب وصفی)، «دفاعی» به‌عنوان وصف اقتصاد (نظام یا وضعیت اقتصادی) به کار برده شده است، کاملاً متفاوت است.

بنا به تعریف مرسوم، علم اقتصاد عبارت است از «بررسی کاربرد منابع کمیاب در دستیابی به اهداف/خواست‌های جایگزین (بدیل)» (Henderson and Quandt, 1980, 1) و به تعبیری، «تخصیص» کارآمد منابع «کمیاب» در میان کاربردها یا اهداف جایگزین و ازاین‌رو، به انتخاب (تخصیص) و کمیابی ربط می‌یابد. بدون کمیابی، نیازی به گزینش کارآمد وجود ندارد. هنگامی که انتخاب مطرح می‌شود، ملاحظه «هزینه‌های فرصت (از دست‌رفته)» ضرورت می‌یابد و منابع برحسب هزینه‌های فرصت ارزیابی می‌شوند. «کارایی» نیز مستلزم بهینه‌سازی مفید است؛ به این معنی که برای تحقق کارایی، با توجه به محدودیت‌هایی همچون محدودیت‌های فناورانه و مالی که انتخاب‌های عملی یا در دسترس را محدود می‌کنند، هدف (یا اهداف) موردنظر بهینه شود و با استفاده از منابعی ثابت، به بیشترین مقدار از هدف موردنظر برسیم، یا با استفاده از کمترین منابع ممکن، به هدفی معین دست یابیم.

بنا به تعریف مصطلح علم اقتصاد، این علم با علم «کسب‌وکار»، «حسابداری»، «امور مالی» و تحلیل صرف سودآوری مترادف نیست و اگرچه این امور با علم اقتصاد نوعی هم‌پوشی دارند، اما نمی‌توانند جایگزین آن شوند. برداشت عامیانه از علم اقتصاد، به‌ویژه در عرصه بخش دفاع و امنیت ملی که علاوه بر تفاوت برخی معیارهای ارزیابی، همان‌گونه که ذکر خواهد شد، تعیین تکلیف نهایی تصمیم‌گیری و انجام فعالیت‌ها نیز فراتر از اقتصاد صورت می‌گیرد، سوءتفاهم‌هایی را در کاربرد این علم در تحلیل مباحث دفاعی و امنیت ملی ایجاد می‌کند که موجب مغفول ماندن آن در این قلمرو حساس می‌گردد. اگر فرض شود که علم اقتصاد، صرفاً علم پیگیری سودآوری است و سودآوری نیز در امور دفاعی و امنیت ملی معیار غالب و حتی در برخی موارد، معیار تعیین‌کننده نیست، نتیجه منطقی چنین برداشت اشتباهی، عدم کاربرد قطعی این علم در تحلیل امور دفاعی و امنیت ملی خواهد بود؛ در حالی که مروری بر آنچه در آینده بیان خواهد شد، به خوبی کاربرد وسیع و گسترده و ضروری و فوری چنین دانشی را در این قلمروی بسیار حیاتی، روشن می‌سازد.

### ۱-۱-۲. قدرت

بنا به تعریف، «قدرت» عبارت است از ظرفیت هدایت/اداره تصمیمات و اقدامات (خود و دیگران، و از دو عنصر «توان» و «خواست» (عزم و اراده) ناشی می‌شود. «توان»، حاصل

تعریف برخی مفاهیم کلیدی، قلمرو، پیشینه و برخی ویژگی‌ها در عرصه اقتصاد دفاع ۹

تبدیل منابع به قابلیت‌هاست در حالی که «خواست»، مقاصد را با عزم کردن برمی‌انگیزاند (Freeman, 1997). از این رو، قدرت در امور مربوط به امنیت، جنگ و دفاع که در قسمت‌های بعدی به آنها پرداخته خواهد شد، تعیین‌کننده اساسی قلمداد می‌شود. از یک دیدگاه، قدرت به دو نوع «سخت» و «نرم» تقسیم می‌شود. بنا به یک تعریف، قدرت سخت متضمن اجبار در اعمال قدرت (به زور وادار کردن) است و بر دخالت نظامی، دیپلماسی اجبار و تحریم‌های اقتصادی برای وادار (ناگزیر) کردن تمرکز دارد. در این تعریف، قدرت سخت مترادف با قدرت اجباری است. «قدرت نرم» که جوزف نای<sup>۱</sup> در سال ۱۹۹۰ آن را با این عنوان مطرح کرد، عبارت است از توان دستیابی به خواسته‌ها از طریق اقناع و جذب، به جای اجبار؛ بنابراین، قدرت نرم ماهیتی رابطه‌ای دارد.

در یک معرفی مقایسه‌ای، قدرت سخت عبارت است از تهدید به استفاده یا اقدام به استفاده از اجبار نظامی یا اقتصادی برای تأثیرگذاری بر رفتار یا منافع دولت‌ها، گروه‌ها یا افراد، در جهت وادار کردن آنها به اتخاذ یک سلسله اقدام خاص که در غیر این صورت، به خودی خود آنها را عملی نمی‌کردند. راه‌های اثربخشی قدرت نرم عبارت‌اند از: فرهنگ (وقتی برای دیگران جذاب باشد)؛ ارزش‌ها؛ و سیاست‌های خارجی که ممکن است همگی با انگیزه‌های مالی و مادی تقویت گردند. فرهنگ مردم و رسانه‌ها معمولاً منبع قدرت نرم تلقی می‌گردند. تجربه تاریخی نشان داده است که اداره کردن قدرت نرم معمولاً کندتر، پراکنده‌تر، طاقت‌فرساتر اما ارزان‌تر و بادوام‌تر از قدرت سخت است (DCDC, 2008).

از دیدگاه نای، تدابیر اقتصادی - از جمله تحریم‌ها که آشکارا درصدد اجبار هستند - در زمره قدرت نرم نیستند. البته منابع اقتصادی می‌توانند هر دو نوع رفتار قدرت سخت و نرم را ایجاد کنند. جذابیت مؤسسات و سیاست‌های اقتصادی برای نظام‌های اقتصادی، نوعی قدرت نرم به حساب می‌آیند. یک اقتصاد موفق، منبع مهمی از جذابیت است. با این توضیح، باید بین منابع قدرت و رفتار قدرت تفاوت قائل شویم. آنچه قدرت را سخت یا نرم می‌کند، رفتار قدرت و نحوه تبدیل منابع به پیامدها است نه منابع آن. با این ملاحظه، نیروهای نظامی نیز می‌توانند گاهی - از جمله با نمایش اقتدار جذاب و ایجاد همکاری و برنامه‌های تربیتی - به قدرت نرم کمک کنند (Nye, 2006).

---

1. Joseph Samuel Nye.

اگرچه تمایز عملی و دقیق بین انواع قدرت ساده نیست، اما تشخیص بین آنها به‌ویژه در برخورد با آنها تعیین‌کننده خواهد بود؛ زیرا ملاحظهٔ تناسب بین اهداف و ابزارهای دستیابی به آنها و همچنین تناظر نسبی بین «ابزارهای مقابله» با «ابزارهای انواع قدرت‌ها»، در برخی موارد مورد تأکید است.

با معرفی قدرت سخت و نرم، تهدید سخت و نرم و همچنین جنگ سخت و نرم و دفاع سخت و نرم مفهوم می‌یابند. تهدید و جنگ و دفاع سخت، از ابزارهای سخت قدرت بهره می‌برند در حالی که تهدید و جنگ و دفاع نرم، ابزارهای قدرت نرم را به کار می‌گیرند. به روشنی، ابزارهای دفاعی باید با ابزارهای تهدید و جنگ تناسب داشته باشند.<sup>۱</sup>

### ۱-۱-۳. امنیت ملی

در یک نگرش اولیه، «بقاء» فرد، جامعه، سرزمین، ارزش‌ها و... معمولاً بالاترین ارزش قلمداد می‌شود که برای آن، باید هر هزینه‌ای که کافی باشد، صرف شود؛ اما در نگرشی عمیق‌تر، تلاش‌های بشری فقط برای «بقاء» نیست بلکه «کیفیت» بقاء نیز موضوعیت دارد. به تعبیری، صرف «زنده بودن» ملاک نیست بلکه نحوه «زندگی کردن» (چگونه زنده بودن) اهمیت خاص دارد. یکی از مهم‌ترین مفاهیم مرتبط با بقاء و کیفیت آن، «امنیت» است که پیش‌شرط و بستر لازم برای هر فعالیتی می‌باشد. به تعبیر مقام معظم رهبری: «امنیت، یکی از اساسی‌ترین و اصلی‌ترین نیازهای یک ملت و یک کشور است. مهم‌ترین مشکل برای یک کشور آن وقتی به وجود می‌آید که در محیط کار، در محیط زندگی، در محیط تحصیل، در فضای عمومی جامعه، مردم احساس امنیت نکنند؛ اینجاست که مغزهای فعال، دست‌های توانا، سرانگشتان ماهر، هیچ‌یک نخواهند توانست مسئولیت مهمی را که هر کدام بر دوش دارند، به انجام برسانند. در فضای امنیت است که هم تلاش علمی، هم تلاش اقتصادی، هم روحیه و نشاط و هم همه‌ی فعالیت‌های یک کشور می‌تواند به درستی برنامه‌ریزی بشود و با دقت دنبال شود و به نتایج خود برسد» (۱۳۷۹/۷/۱۸).

۱. براساس رهنمودهای مقام معظم رهبری، مقولهٔ فرهنگ، مقولهٔ چوب و چماق نیست. مقولهٔ فرهنگ، با مقولهٔ میدان جنگ [نظامی] فرق دارد. هر میدانی، ابزار و سلاح خودش را دارد (۱۳۷۲/۵/۸).



تعریف برخی مفاهیم کلیدی، قلمرو، پیشینه و برخی ویژگی‌ها در عرصه اقتصاد دفاع ۱۱

در یک جمع‌بندی لغوی از فرهنگ‌های لغت فارسی و انگلیسی، «امنیت» به معنای اطمینان و آسایش و ایمنی داشتن و بی‌هراس و بی‌بیم و بی‌خوف و در امان بودن (زنهار) است؛ به عبارت دیگر، امنیت عبارت است از واقعیت (در واقع) یا احساس (به صورت تصویری) اطمینان<sup>۱</sup> و آزادی (عاری) از خطر (ایمنی) و ترس و اضطراب و تردید (شبهه) (: قطعیت) و نگرانی زیان. در هر صورت، امنیت اعم از کیفیت (طبیعت) یا وضعیت (حالت) امن بودن است.

با این درک که امنیت مفهومی اساساً مجادله‌آمیز است، بنا به تعریف، بحث درباره آن نمی‌تواند سرانجام به‌طور مجرد (انتزاعی) تعیین تکلیف شود. با توجه به آنچه درباره بقا گفته شد، امنیت را می‌توان «افزون بر بقا (بقای به‌علاوه)»<sup>۲</sup> نامید که واژه «افزون»، در آن، به معنای آزادی از تهدیدات تعیین‌کننده در قبال زندگی و بنابراین، تهدیدات مرتبط با برخی انتخاب‌های زندگی می‌باشد.

به‌طور کلی دو دیدگاه بنیادین درباره امنیت وجود دارد. در دیدگاه اول، امنیت در واقع مترادف «انباشت قدرت» است. از این دیدگاه، امنیت به‌عنوان یک کالا در نظر گرفته می‌شود که در نتیجه، برای امن بودن، باید چیزهای معینی نظیر اموال، پول، تجهیزات و ارتش داشته باشیم. دیدگاه دوم، این نگرش را که امنیت ناشی از قدرت است، به چالش می‌کشد. امنیت در این دیدگاه، بر «آزادی»<sup>۳</sup> بنا شده و با عدالت و فراهم بودن حقوق انسانی مرتبط است. از این دیدگاه، امنیت به‌عنوان رابطه بین بازیگران مختلف قلمداد می‌شود نه یک کالا. این رابطه می‌تواند امری منفی یا مثبت را در بر گیرد. این تمایز معمولاً در تفاوت بین عبارت «آزادی (عاری بودن) از»<sup>۴</sup> یا «آزادی برای (در جهت)»<sup>۵</sup> تجلی می‌یابد. بر این اساس، امنیت حاصل موجودی‌ها نیست بلکه به روابط و تعامل باز می‌گردد. به همین دلیل، این امکان وجود دارد که

- 
1. Confidence.
  2. Survival-plus.
  3. Emancipation.
  4. Freedom from.
  5. Freedom to.

داشتن تسلیحات هسته‌ای از سوی کشوری خاص، ناامن‌کننده‌تر از زرادخانه هسته‌ای کشوری دیگر به حساب آید (Williams, 2008: 5).

در چارچوب آنچه گفته شد، در مطالعات امنیتی دو گفتمان غالب وجود دارد: گفتمان امنیت سلبی و گفتمان امنیت ایجابی. هر کدام از این دو گفتمان، در درون خود موج‌های مطالعاتی‌ای دارند. گفتمان امنیت سلبی، امنیت را به فقدان تهدید یا امکان مدیریت و رفع تهدید معنا می‌کند؛ در حالی که گفتمان امنیت ایجابی، امنیت را به ایجاد شرایط مطلوب جهت پیگیری خواست و اهداف ملی معنا می‌کند. بنا به این گفتمان، اگر کشوری تهدید نداشته باشد ولی در همان حال، توان پیگیری خواست‌ها و منافع ملی‌اش را نیز نداشته باشد، ناامن ارزیابی می‌گردد (مک‌کین و لیتل، ۱۳۸۰). در تعبیری دیگر از امنیت ایجابی، امنیت وضعیتی است که در آن، رضایتمندی تحقق می‌یابد؛ به عبارت دیگر، امنیت در این گفتمان، با مفهوم محوری رضایت، فهم و تحلیل می‌شود (افتخاری، ۱۳۹۳).

در فضای فکری نظریه‌پردازان سازمان ملل متحد، به اصطلاح سیاستی، «امنیت انسانی» عبارت است از امنیت یکپارچه، پایدار و جامع از ترس، منازعه، جهل، فقر، محرومیت اجتماعی و فرهنگی و گرسنگی مبتنی بر آزادی‌های مثبت و منفی (Ginkel, 2000). فراهم آوردن امنیت انسانی نیازمند آگاهی از نیازهای ویژه افراد و دولت‌هاست (DCDC, 2008: 1-1).

به نظر می‌رسد اگرچه برخی نویسندگان با صراحت، مترادف بودن امنیت انسانی و توسعه انسانی را نمی‌پذیرند اما مفهوم توسعه انسانی و امنیت انسانی به سوی فضایی مشترک با هم‌پوشی فراوان سیر می‌کنند (Secretary General's High-level Panel of United Nations, 2004).

#### ۱-۱-۴. جنگ

در یک تعریف اجمالی کلی، جنگ «نوعی خشونت» یا «نبردی گروهی» معنا می‌شود. در تعریفی تفصیلی، «منازعه بین نیروهای مسلح دو یا چند کشور یا ائتلاف، برای دستیابی به اهداف سیاسی خاص» یا «وضعیت منازعه وسیع بین کشورها یا گروه‌های بزرگی از مردم که در آن، از خشونت و زور فیزیکی بین حریفان یا علیه غیرنظامیان استفاده می‌شود»، جنگ قلمداد

تعریف برخی مفاهیم کلیدی، قلمرو، پیشینه و برخی ویژگی‌ها در عرصه اقتصاد دفاع ۱۳

می‌گردد. از نظر حقوقی، «جنگ» وضعیتی است که «با یک اعلام جنگ آغاز، و با اعلامی رسمی خاتمه می‌یابد، و در خلال آن، قواعد بین‌المللی جنگ اعمال می‌شود». در این صورت، جنگ امری خشونت‌آمیز است که گروه‌های سیاسی در آن دخیل هستند و مدت و اندازه قابل توجهی دارد.

در عمل، مرزبندی دقیق و خدشه‌ناپذیر بین «جنگ» و «صلح» بسیار دشوار است؛ تا حدی که از یک سو، «جنگ، ادامه سیاست با ابزارهایی دیگر» (فرمول کلاوزویتز) قلمداد می‌گردد و از سوی دیگر، «سیاست، ادامه جنگ اما با وسایلی دیگر» و استمرار رقابت و کاربرد ابزارهای خشونت‌آمیز به صورت بدیل در جهت اهدافی که اساساً تفاوتی نمی‌کنند، به حساب می‌آید. با وجود تعریفی که از جنگ شد، این پدیده پیچیده، انواعی دارد که بعضاً برخی ملاحظات مندرج در تعریف‌های برشمرده‌شده، در این نوع‌بندی مسکوت گذاشته شده‌اند. در این میان، در جنگ سخت، از سلاح‌های گرم و تسلیحات مختلف در صحنه نبردی جغرافیایی استفاده می‌شود و منازعه‌ای مبتنی بر اجبار است و جنگ نرم متعارف، درگیری‌ای مبتنی بر اقناع قلمداد می‌شود.

جنگ، اصولی دارد که رعایت آنها برای هر دو یا چند طرف درگیر، می‌تواند به پیروزی یا عدم شکست بیانجامد. با وجود اشتراک‌های فراوان، این اصول، در مکاتب نظامی مختلف، به گونه‌هایی بعضاً متفاوت بیان گردیده‌اند و در گذر زمان نیز در یک مکتب نظامی، تحول یافته‌اند. از جمله، اصول جنگ در نگرش آمریکایی عبارتند از: <sup>۱</sup> تمرکز (انبوه کردن)؛ هدف (آماج)؛ آفند؛ غافلگیری؛ صرفه‌جویی نیروها (اقتصاد)؛ رزمایش (تحرك هدفمند)؛ وحدت فرماندهی؛ تأمین؛ و سادگی (ساده‌سازی). برخی اصول جنگیدن در فرهنگ اسلامی عبارتند از: دین‌مداری و صداقت (به‌عنوان عامل نهایی پیروزی)؛ ترس از خدا و داشتن آرامش؛ از جان گذشتن در راه خدا؛ استواری بر مأموریت (عدم غفلت)؛ دعوت دشمن به حق، پیش از اقدام به جنگ؛ و آزار نرسانیدن به مردم.

به‌علاوه، اصول جنگیدن با تأکید بر جنگ نامتقارن از جمله عبارت‌اند از:

---

۱. در این باره، از جمله ر. ک (Mallick, 2009) و (Kearney and Marks, 2017).

ارباب؛ فریب و وانمود کردن؛ پرهزینه کردن اقدام دشمن؛ رخنه؛ اختفاء؛ اطلاعات (اشراف و حمله اطلاعاتی و...); پراکندگی؛ اقدام غیرخطی؛ برآورد راهبردی؛ شبکه‌سازی و غافلگیری.

### ۱-۱-۵. دفاع

در یک جمع‌بندی لغوی، دفاع عبارت است از یابوری و حمایت کردن، دور کردن، حفظ کردن، راندن، پس زدن و بازداشتن. «Defence/ Defense» نیز از جمله به معنای مقاومت کردن، تجهیز و تقویت و استحکام بخشیدن به کار می‌رود. «امور دفاع ملی» در طبقه‌بندی هزینه‌ای بودجه دولت جمهوری اسلامی ایران برحسب امور، مجموعه‌ای از وظایف دولت است که در جهت حفظ و حراست از مرزهای کشور و برقراری ثبات سیاسی از طریق دفاع نظامی و غیرنظامی به منظور حفظ و گسترش امکانات توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور انجام می‌شود (فرزیب، ۱۳۷۶، ص ۲۱۰). برنامه‌های فصل نظامی عبارت‌اند از: برنامه‌های کارکنان نظامی، عملیات و نگهداری، تهیه و تولید و نوسازی، کارکنان وظیفه، بیمه و بازنشستگی، اموال غیرمنقول و ساختمان، خدمات درمانی کارکنان نظامی، فعالیت‌های عقیدتی-سیاسی، حمایت از بسیجیان، تحقیق و بررسی، و خدمات اداری.

دفاع به دو نوع دفاع عامل و غیرعامل تقسیم می‌شود. بنا به تعریف، دفاع (پدافند) غیرعامل، مجموعه اقداماتی است که قبل از خطر انجام می‌گیرد و در هنگام بروز هرگونه تهدید طبیعی و غیرطبیعی - مانند جنگ - موجب کاهش آسیب‌پذیری نیروی انسانی، ساختمان‌ها، تأسیسات، تجهیزات، اسناد و شریان‌های حیاتی یک کشور می‌گردد. دفاع عامل، با استفاده از ابزار نظامی و به صورت مسلحانه و با تحمیل مخاطره یا خسارت جدی به حمله‌کننده انجام می‌شود؛ در حالی که دفاع غیرعامل، دفاعی بدون سلاح و تجهیزات نظامی و اساساً متضمن مستحکم‌سازی است. اصول اساسی دفاع غیرعامل عبارت‌اند از: مکان‌یابی؛ استتار؛ اختفا؛ پوشش؛ فریب؛ پراکندگی؛ جداسازی و جابه‌جایی؛ مقاوم‌سازی و استحکامات؛ و هشدار زودهنگام (موحدی‌نیا، ۱۳۸۵، ص ۲۴۳).

آموزش نظامی مردم در قالب نظام وظیفه عمومی، ایجاد نیروی ذخیره در دوران آرامش و صلح و تشکیل سازمان‌های شبه‌نظامی در برخی کشورها، دلالت بر این نکته اساسی دارد که

تعریف برخی مفاهیم کلیدی، قلمرو، پیشینه و برخی ویژگی‌ها در عرصه اقتصاد دفاع ۱۵

دفاع، برنامه‌ای پردامنه و همیشگی است و فقط به دوران حمله و دفع آن محدود نمی‌شود. با این ملاحظه، دفاع در بعد سلبی امنیت، حداقل سه مرحله اساسی دارد:<sup>۱</sup>

○ پیشگیری و بازدارندگی

○ مدیریت واقعه (مقابله با (دفع و رفع) تهدید و تعرض)

○ مدیریت پیامد.

دفاع در بعد ایجابی امنیت، متضمن «توانمندسازی جهت تحقق اهداف امنیت ملی» نیز می‌باشد. از این‌رو، در یک برنامه دفاعی منطقی و کامل، باید هر چهار مرحله دفاع مورد توجه قرار گیرند و برای هر مرحله، طراحی خاص صورت پذیرد. البته مرحله چهارم عملاً همگام با مراحل سه‌گانه دفاع سلبی تحقق می‌یابد.

## ۱-۲. مفهوم و برخی ویژگی‌های اقتصاد دفاع

بر اساس آنچه درباره «اقتصاد»، و همچنین «قدرت»، «امنیت»، «جنگ»، «دفاع» و انواع آنها مرور شد، مفهوم «اقتصاد دفاع» بهتر قابل درک خواهد بود.

### ۱-۲-۱. تعریف اقتصاد دفاع

«تحلیل اقتصادی دفاع (ملی)»، عبارت مشترک اغلب جملاتی است که به‌عنوان تعریف اقتصاد دفاع بیان شده‌اند. کندی اقتصاد دفاع را «کاربرد علم اقتصاد برای تحلیل مسائل دفاع» می‌داند (Kennedy, 1975: 17). کانتر آن را «کاربرد مهارت‌های اقتصادی برای بسیاری از مسائل دفاع» برمی‌شمرد (Kanter, 1975: 427). اولوی اعتقاد دارد که بسیاری از متون موجود در بررسی اقتصاد دفاع ملی، «چیزی بیش از کاربرد مفاهیم اقتصادی در مسائل امنیت ملی نیستند» (Olvey and Golden and Kelly, 1984: 8-9). ریپای زمینه اقتصاد دفاع را «شاخه‌ای از اقتصاد کاربردی» به شمار می‌آورد (Reppy, 1989: 90). شایبک و ورکرک اظهار می‌دارند که «اقتصاد دفاع، از کاربرد تحلیل اقتصادی در رابطه با موضوعات دفاع ملی» تشکیل شده است (Shubik and Verkerke, 1989: 482). اینتریلیگیتور در پایان مقاله‌اش «در زمینه

---

۱. در این باره از جمله ر.ک (Narasimha and others, 2007: 46).

ماهیت و قلمرو اقتصاد دفاع»، نتیجه‌گیری می‌کند که اقتصاد دفاع زمینه‌ای است که در آن، ابزارهای علم اقتصاد در قلمرو بخش دفاع به کار گرفته می‌شوند تا امور ضروری داخلی و بین‌المللی این بخش را تحلیل کنند (Intriligator, 1990: 9).

مفاهیم برشمرده‌شده، در نوشته‌های بعدی صاحب‌نظران نیز تکرار شده است. سندلر و هارتلی در کتاب مرجع اقتصاد دفاع در سال ۲۰۰۷ نیز تصریح کرده‌اند که «اقتصاد دفاع ابزارهای علم اقتصاد را برای مطالعه موضوعات دفاعی و موضوعات مرتبط با دفاع شامل سیاست‌ها و صنایع دفاعی، منازعه، مسابقات تسلیحاتی، خلع سلاح، تبدیل، حفظ صلح، شورش‌ها، جنگ‌های داخلی و تروریسم به کار می‌برد» (Sandler and Hartley, 2007: 611).

در کنار آنچه گفته شد، راس در انتقاد صریح از برداشت‌هایی که اقتصاد دفاع را صرفاً «یک کاربرد معمولی ابزارهای تحلیلی علم اقتصاد در بررسی موضوعات دفاعی» قلمداد می‌کند، به نقادی می‌پردازد و ابراز می‌کند که اقتصاد دفاع، فراتر از شکلی از اقتصاد کاربردی است؛ در حالی که با نگرش محدود، «متخصصین اقتصاد دفاع، همگی در حقیقت کار خود را به سطح تکنسین بزرگ جلوه داده‌شده‌ای کاهش داده‌اند» (Ross, 1991: 6). در اینجا باید توجه داشت که همواره محدود کردن یا گستردن بیش از اندازه حیطه یک مفهوم، با انتقاد روبه‌رو بوده است. ریپای در پاسخ به اینتریلیگیتور که در مقاله یادشده‌اش، اقتصاد دفاع را محدود به عناصر (عوامل) نظامی کرده است، از او فراتر می‌رود و اظهار می‌دارد که قلمرو اقتصاد دفاع می‌تواند با گنجانیدن عناصر غیرنظامی در تعریف امنیت ملی از جمله حفاظت از محیط‌زیست،<sup>۱</sup> حتی گسترده‌تر از تعریف وی گردد. از سوی دیگر سندلر و هارتلی تأکید می‌کنند که ما در این نکته که درک اقتصاد دفاع، به ویژگی‌های نهاد واحدی مربوط می‌شود، با ریپای موافقیم اما این نظر او را نمی‌پذیریم که تعریف وسیع‌تر امنیت ملی را در این زمینه منظور کنیم؛ زیرا با این مفهوم، مفهوم مشخص و متمایز اقتصاد دفاع از دست خواهد رفت (Sandler and Hartley, 1995: 7).

۱. تین‌برگن (Tinbergen) اعتقاد دارد که امنیت نوع بشر نه تنها با مسابقات تسلیحاتی بلکه به وسیله آلودگی محیط‌زیست، رشد جمعیت، رشد صنایع شیمیایی، تعداد اتومبیل‌ها و امثال آنها مورد تهدید قرار گرفته است (Chatterji and others, 1994: XVI).